



دکتر منصور میاحی

استاد دانشکده دامپزشکی

با سابقه بیش از ۲۰ سال خدمت

دکتر منصور میاحی در سال ۱۳۳۵ در شهرستان مسجدسلیمان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر اهواز گذراند. ایشان در سال ۱۳۵۴ مدرک دیپلم تجربی را با رتبه اول در همین شهر دریافت نمود. در همان سال در کنکور ورودی دانشگاه‌ها شرکت کرد و در چند رشته از جمله دکترای عمومی دامپزشکی دانشگاه جندی شاپور (شهید چمران اهواز) قبول شد. دکتر میاحی پیرامون این برهه از زندگانی خود می گوید: " پدرم راننده ماشین سنگین در شرکت نفت بود و در سال ۱۳۵۴ بازنشسته شد. ششمین فرزند خانواده هستم و سه خواهر و ۷ برادر دارم. دو خواهر و سه برادر بزرگتر و بقیه کوچکتر هستند. پدر و مادرم سواد نداشتند. بعد از تولدم به همراه خانواده‌ام به اهواز مهاجرت کردیم و در محله قدیمی خزعلیه ساکن شدیم. یادم است که مرحوم مادرم اولین روز شروع درس کلاس اول دبستان مرا به مدرسه برد و تحویل مدیر دبستان هرمزان نمود. قبل از رفتن به مدرسه هیچ گونه آموزش پیش دبستانی نداشتم. شش سال آموزش متوسطه را با نمرات عالی طی نمودم. در این سال‌ها همیشه شاگرد اول بودم. یکی از معلمان تأثیر گذار در دوران دبستان، آقای نجفی بود که با اشتیاق و علاقه مقطع ششم دبستان را تدریس می نمود و در حال حاضر در کشور آلمان اقامت دارد. در آن زمان امتحانات نهایی دروس پایه ششم به شکل متمرکز و استانی برگزار می شد و توانستم رتبه خوبی کسب نمایم. در دوران دبستان ورزش مورد علاقه ام فوتبال بود. در دوران فراغت تابستان به علت درآمد پایین خانواده در مغازه‌های بستنی فروشی و تعمیرات دوچرخه نزدیک خانه کار

می‌کردم. بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی وارد مقطع متوسطه شدم و در دبیرستان بابک، واقع در منطقه دروازه اهواز در گرایش علوم تجربی ثبت نام نمودم. این مدرسه در منطقه فقیر نشین واقع در ۳ راهی خرمکوشک - حصیرآباد و زیتون کارگری واقع بود. در طول تحصیل از شاگردان ممتاز دبیرستان بودم. بعد از قبول شدن در امتحانات نهایی پایه ۱۲ در خرداد ماه ۱۳۵۴ دیپلم تجربی را اخذ نمودم و نوبت ثبت نام در کنکور فرا رسید.

دکتر میاحی افزودند: "از اساتید تاثیرگذار در دوران تحصیل در مقطع دکترای عمومی از دکتر حسینیون، دکتر سیاوش حقیقی، دکتر محمود جمشیدیان، دکتر ناصر حقوقی، دکتر رضاخانی، دکتر مستغنی، دکتر کریمی و دکتر مرتضی علوی شوشتری و در مقطع دکترای تخصصی از دکتر کیایی و دکتر محمد حسن بزرگمهری فرد می‌توانم نام ببرم. بیش‌تر اساتید دانشکده دامپزشکی اهواز غیر بومی بودند و به علت فراهم بودن شرایط مناسب سکونت در منازل سازمانی و بالا بودن حقوق دریافتی نسبت به سایر دانشگاه‌های کشور جذب این دانشگاه شده بودند."

در دوران تعطیلی دانشگاه‌ها و جنگ تحمیلی، دکتر میاحی مانند بسیاری از دانشجویان و دانشگاهیان، با حضور در جهاد سازندگی خدمات تخصصی و عمومی به جنگ و مهاجران جنگ و بویژه رسیدگی به احشام رها شده، ارایه نمودند.

دکتر میاحی در سال ۱۳۶۳ با کسب رتبه اول در سطح دانشکده در رشته دکترای عمومی دامپزشکی دانش‌آموخته گردید. ایشان در نیمه سال ۱۳۶۲ به شکل پیمانی به استخدام دانشگاه شهید چمران اهواز در آمد. وی در سال ۱۳۶۹ جهت ادامه تحصیل در رشته بیماری‌های طیور به کشور هندوستان عزیمت نمود و در سال ۱۳۷۲ پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته بیماری‌های طیور به ایران بازگشت. دکتر میاحی در سال ۱۳۷۷ دکترای تخصصی-رزیدنسی در رشته بهداشت و بیماری‌های طیور را از دانشگاه تهران کسب نمود. وی در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶ به ترتیب به مرتبه استادیاری، دانشیاری و استادی در آمد.

همسر دکتر میاحی سرکار خانم دکتر جمیله طابوسیان، دانش‌آموخته دکترای عمومی پزشکی در سال ۱۳۶۴ از دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز است. دکتر میاحی دارای سه فرزند دختر است. در ادامه به تعداد فعالیت‌های علمی ایشان در موارد زیر و افتخارات ایشان اشاره می‌گردد:

مقالات علمی

تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی داخل کشور: ۴۲

تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی خارج کشور: ۳۲

تعداد مقالات ارایه شده در سمینارهای علمی داخل: ۱۳۰

مقالات ارایه شده در سمینارهای علمی خارجی: ۷۴

کتاب چاپ شده تالیفی: ۶

کتاب چاپ شده ترجمه: ۵

طرحهای پژوهشی اجرا شده: ۳۰

استاد راهنمای پایان نامه های دکترای عمومی دامپزشکی: ۸۰

استاد راهنمای پایان نامه های دکترای تخصصی: ۱۲

افتخارات:

پژوهشگر فعال دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۷۴

پژوهشگر فعال دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۱ در زمینه ارایه مقالات در همایشهای علمی خارجی

پژوهشگر فعال دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۱ در زمینه استاد راهنمای پایان نامه های کارشناسی ارشد.

پژوهشگر فعال دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۲ در زمینه ارایه مقاله در همایش های علمی داخل و خارج از کشور

پژوهشگر فعال دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۲ در زمینه استاد راهنمای پایان نامه های کارشناسی ارشد.

پژوهشگر فعال دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۳ در زمینه طرحهای پژوهشی داخل دانشگاه

پژوهشگر فعال دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۳ در زمینه ارایه مقالات در همایشهای علمی داخل کشور

پژوهشگر برگزیده دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۴ در زمینه علمی و پژوهشی

پژوهشگر برگزیده کشوری در گروه کشاورزی دامپزشکی در سال ۱۳۸۴ توسط وزارت علوم، تحقیقات و تکنولوژی

پژوهشگر برگزیده دانشگاه شهید چمران در محورهای طرحهای پژوهشی داخلی، ارایه مقاله در همایشهای علمی خارجی و

ارایه مقاله در همایشهای علمی داخلی در سال ۱۳۸۵.

پژوهشگر برگزیده دانشگاه شهید چمران در سال ۱۳۸۶ در محور موثرترین راهنمایی پایان نامه کارشناسی ارشد.

پژوهشگر برگزیده دانشگاه شهید چمران در سال ۱۳۸۷ در ۲ محور موثرترین راهنمایی پایان نامه کارشناسی ارشد و چاپ کتاب

پژوهشگر برگزیده کشوری در گروه دامپزشکی در سال ۱۳۸۹ توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

با توجه به مسئولیت پذیری دکتر میاحی در خدمت به دانشگاه، سمت های اجرایی وی در قالب جدول زیر تنظیم شده است:

ردیف	محل	مشخصات ابلاغ		تاریخ انجام فعالیت	
		شماره	تاریخ	از تاریخ	تا تاریخ
۱	معاون آموزشی دانشکده دامپزشکی اهواز			۱۳۶۲	۱۳۶۴
۲	معاون دانشکده			۱۳۶۵	۱۳۶۷
۳	مدیر بیمارستان و درمانگاه دام			۱۳۶۴	۱۳۶۹
۴	مدیر گروه علوم درمانگاهی			۱۳۷۲	۱۳۷۶

۸۰/۴/۲۵	۷۲/۱۰/۲۶	۷۲/۱۰/۲۶	۱/۵۳۷۶	دانشکده دامپزشکی اهواز	رئیس دانشکده	۵
تاکنون	۷۷/۷/۱۱	۷۴/۱۲/۱۱	/۲۳۹۲۴ ۱	دانشکده دامپزشکی اهواز	مدیر مسئول مجله علمی	۶
۸۲/۹/۱۰	۸۰/۸/۱۳	۸۰/۸/۱۳	۱/۹۷۳۲	دانشکده دامپزشکی اهواز	معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی	۷
-	-	۸۲/۹/۱۰	/۱۳۷۰۳ ۱	دانشگاه شهید چمران	مدیر امور پژوهشی دانشگاه	۸
-	-	۸۳/۳/۳	۲/۴۳۰۵	دانشگاه شهید چمران	کمیسیون نظارت بر فعالیتهای انجمن علمی دانشگاه	۹
-	-	۸۳/۷/۱۱	۰.۵.۲۱۰ پ	دانشگاه شهید چمران	دبیر ستاد اجرایی هفته پژوهش	۱۰
		/۱۰/۲ ۱۳۸۳	/۱۵۷۲۹ ۱	دانشگاه شهید چمران	عضو ستاد اجرایی همایش همکاریهای ایران و بریتانیا	۱۱
		۸۳/۱۰/۱۶	/۱/۳۵۴۰ ۲۴	دانشگاه شهید چمران	سرپرست دوره تخصصی بیماریهای طیور	۱۲
		۸۳/۱۲/۴	/۱/۴۱۳۲ ۲۴	دانشگاه شهید چمران	عضویت در هیات تحریریه مجله علمی دانشکده دامپزشکی	۱۳
		۸۲/۱۲/۱۰	/۲/۱۱۴۶ ص	دانشگاه شهید چمران	نماینده تام‌الاختیار معاونت پژوهشی در جلسات همایش مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی	۱۴
		۸۴/۴/۶	۱/۱۸۸۲	دانشگاه شهید چمران	عضو هیأت ممیزه دانشگاه	۱۵
		۸۴/۴/۸	۱/۱۹۷۸	دانشگاه شهید چمران	کمیسیون تخصصی گروه دامپزشکی هیأت ممیزه دانشگاه	۱۶
		۸۴/۶/۶	/۲/۲۵۹۲ ص	دانشگاه شهید چمران	کمیته کارشناسی استقرار نظام پیشنهادات	۱۷
ادامه دارد	۸۱/۳/۱	۸۱/۳/۱	۲/۲۱۰۸	دانشگاه شهید چمران	عضو کمیته نظارت و ارزیابی پروژه‌های ملی تحقیقاتی کشور	۱۸

		۸۴/۷/۲۶	۲/۳۵۵۱/ص	دانشگاه شهید چمران	دبیر ستاد اجرایی برگزاری هفته پژوهش	۱۹
۸۷/۴/۱۴	۸۵/۴/۱۴	۸۵/۴/۱۴	۲۴/۱/۲۰/اص	دانشگاه شهید چمران	سرپرست دوره تخصصی بهداشت و بیماریهای طیور	۲۰

تاریخ انجام فعالیت	مشخصات ابلاغ		محل	نوع فعالیت	
	شماره	تاریخ			
	۳/۵/۱۷۳۳۷	۹۳/۳/۲۱		رئیس دانشکده	۲۱
	۲/۷۲۷۲۶	۱۰۴/۲۹		عضو گروه تخصصی دامپزشکی دفتر گسترش آموزش عالی و دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی	۲۲
	۱۵/۱۱۳۸	۹۵/۱/۱۴		نماینده در هیات امنای موسسه آموزش عالی غیر دولتی - غیر انتفاعی رهنما	۲۳
	۳/۵/۳۰۷۱۳	۹۵/۵/۲		ابقاء رییس دانشکده دامپزشکی به مدت دو سال دیگر	۲۴

از آقای دکتر میاحی خواسته شد تا اشاره ای به پیشینه دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز داشته باشد. وی بیان داشت:

دانشکده دامپزشکی فعلی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۵۳ در قالب یکی از گروه‌های دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی‌شاپور بنیان‌گذاری شد و از همان سال به طور رسمی با پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی، فعالیت خود را آغاز کرد. با ادامه فعالیت‌های گروه و بنا به پیشنهاد مدیریت وقت دانشکده و با یاری مسئولان دانشگاه و وزارت علوم، دوره کارشناسی دامپزشکی در سال ۱۳۵۶ به دکتری عمومی دامپزشکی ارتقا یافت. می‌توان گفت در کشور دو دانشکده‌ی دامپزشکی پیش از اهواز تأسیس شده‌اند که نخستین دانشکده در دانشگاه تهران و دومین دانشکده نیز در دانشگاه شیراز بود. پس از آن در اهواز و تقریباً هم‌زمان با ارومیه، سومین دانشکده‌ی دامپزشکی کشور تأسیس شد. در سال ۱۳۵۶ شورای برنامه‌ریزی و تدوین دوره‌های مختلف علوم دامپزشکی، نظیر آنچه که در حال حاضر در وزارت علوم و آموزش عالی برقرار

است، وجود نداشت و هر یک از سه دانشکده‌ی دامپزشکی (تهران، شیراز و ارومیه) برنامه‌های خاص خود را برای آموزش دوره‌ی دکتری عمومی دامپزشکی اجرا می‌کردند.

سرانجام اواخر فروردین‌ماه ۱۳۵۷ برنامه‌ی آموزشی دوره دکترای عمومی دامپزشکی تهیه و با تأیید شورای منتخب، برای مدیریت دانشگاه ارسال شد و در شورای دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. مرحوم دکتر کریم میربابایی در آن زمان رئیس دانشکده بود و مدیریت وی تا اردیبهشت ۱۳۵۸ ادامه داشت. پس از آن، دکتر ناصر حقوقی‌راد به‌عنوان دومین رئیس دانشکده فعالیت خود را آغاز کرد. او پس از مدتی از سمت خود استعفا داد و دانشکده به‌صورت شورای با ترکیب دکتر سید هدایت‌اله رشیدی، دکتر مرتضی علوی شوشتری و محمدعلی هدایتی‌فر اداره شد؛ البته در این شورا دکتر رشیدی مدیریت را برعهده داشت. بعد از مدتی دکتر رشیدی به‌عنوان سومین رئیس دانشکده‌ی دامپزشکی اهواز عهده‌دار مسئولیت شد؛ بعد از او نیز دکتر منصور سیاری، اینجانب و دکتر غلامحسین خواجه ریاست دانشکده را بر عهده گرفتند.

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تغییرات به‌عمل آمده در برنامه‌ریزی آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی سابق، تصمیم گرفته شد که از چهار دانشکده‌ی دامپزشکی فعال کشور، دو دانشکده‌ی دامپزشکی ارومیه و اهواز منحل و دانشجویان این دانشکده‌ها به تهران و شیراز منتقل شوند. مقاومت و اعتراض استادان و دانشجویان در برابر این تصمیم و نیز پیگیری مسئولان دانشگاه موجب شد تا سرانجام از مهرماه ۱۳۶۵ با پذیرش دانشجو در مقطع دکترای عمومی در دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز موافقت شود و روند پیشرفت و توسعه دانشکده ادامه یابد.

در حال حاضر (۱۳۹۴)، این دانشکده دارای ۵۹ عضو هیات علمی تمام وقت است. از مجموع اعضای هیات علمی دانشکده، ۱۳ نفر استاد، ۲۵ نفر دانشیار و ۲۱ نفر نیز در مرتبه استادیاری هستند؛ همچنین هم‌اکنون ۱۷ رشته در مقاطع مختلف دکترای عمومی دامپزشکی، کارشناسی ارشد، دکتری تخصصی PhD و رزیدنسی (دستیاری) در دانشکده فعال است.

از این تعداد چهار رشته‌ی پاتوبیولوژی، انگل‌شناسی، بهداشت مواد غذایی و فیزیولوژی در مقطع کارشناسی ارشد هستند؛ همچنین یک رشته‌ی دکتری عمومی، ۶ رشته‌ی دکتری تخصصی و ۶ رشته‌ی دکتری رزیدنسی در دانشکده وجود دارد. در هر نیم‌سال حدود ۳۰ دانشجوی دکتری عمومی جذب می‌شود. چهار گروه آموزشی نیز در دانشکده فعالیت می‌کنند که براساس درخواست گروه‌ها، با توجه به نیازسنجی، امکانات و اولویت‌های آموزشی، در دیگر رشته‌ها و مقاطع نیز دانشجو پذیرش می‌شود. تعداد دانشجویان در حال تحصیل این دانشکده نیز ۴۴۴ نفر است و از مجموع دانشجویان دانشکده، ۲۹۰ نفر در دوره‌ی دکتری عمومی، ۴۹ نفر در دوره‌های کارشناسی ارشد، ۵۱ نفر در مقطع PhD و ۵۴ نفر نیز در دوره‌های دستیاری تحصیل می‌کنند.

از سال ۱۳۹۳ در راستای کیفی‌سازی آموزش‌ها، پذیرش دانشجو به‌صورت هدفمند انجام می‌شود؛ البته یکی از خصوصیات دانشکده‌ی دامپزشکی این است که همه‌ی دانشجویان آن در مقاطع تحصیلات تکمیلی تحصیل می‌کنند و دانشجوی لیسانس در دانشکده پذیرش نمی‌شود. ۲۲ آزمایشگاه آموزشی و تحقیقاتی نیز وجود دارد و دانشکده دارای یک بیمارستان دامپزشکی است که می‌توان گفت از نظر تعداد مراجعه و امکانات سخت‌افزاری، بزرگ‌ترین و مجهزترین بیمارستان دامپزشکی کشور است. ساختمان این بیمارستان در سال ۱۳۶۵ احداث شد؛ همچنین ساختمان جدید دانشکده نیز در سال ۱۳۹۰ تکمیل شد و مورد استفاده قرار گرفت.

براساس آمارهای اخذ شده از سامانه RMS تاکنون (۱۳۹۴) نزدیک به سه‌هزار مقاله از اعضای هیات علمی دانشکده در طول ۴۰ سال فعالیت، در مجلات علمی داخلی و خارجی چاپ شده است؛ همچنین در این مدت حدود ۶ هزار مقاله در کنفرانس‌ها و همایش‌های علمی ملی و بین‌المللی ارائه شده است. تاکنون نزدیک به ۱۲۰۰ پایان‌نامه و حدود ۲۰۰ طرح تحقیقاتی در

دانشکده به اتمام رسیده است؛ البته بخش عمده‌ی این طرح‌ها، داخلی و تعداد کمی (حدود ۳۰ طرح) مربوط به پروژه‌های ارتباط با صنعت بوده است.

با توجه به ظرفیت اعضای هیات علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده، این حوزه به نوعی مغفول مانده و هنوز توانایی و ظرفیت بسیاری برای اجرای طرح‌های ارتباط با صنعت وجود دارد. از سوی دیگر وجود مزارع بزرگ پرورش ماهی، طیور و آبزیان در استان، ظرفیت بالایی برای کارهای تحقیقاتی فراهم کرده است که لزوم فعالیت بیشتر در این بخش را ایجاب می‌کند.

مجله‌ی دامپزشکی ایران نیز در دانشکده چاپ و منتشر می‌شود. این مجله با سابقه خوب و درخشان خود، از مجلات برتر کشور محسوب می‌شود. هر سال حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ مقاله از طریق سامانه‌ی مجله به دبیرخانه ارسال می‌شود. در هر شماره ۱۲ مقاله و هر سال ۴۸ مقاله در مجله چاپ می‌شود؛ با توجه به این که اکنون در حال ورود به سال یازدهم فعالیت مجله هستیم، در این مدت حدود ۵۰۰ مقاله در آن چاپ شده است. با توجه به پرورش گاو میش در منطقه و پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های علمی موجود، در سال ۱۳۸۹ قطب علمی بهداشت و بیماری‌های گاو میش کشور در این دانشکده تأسیس شد و اکنون با مدیریت دکتر حاجی حاجیکلائی در حال فعالیت است.

هم‌زمان با آیین گرامی داشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، مراسم چهلمین سالگرد تأسیس دانشکده‌ی دامپزشکی نیز در روز ۲۵ بهمن ۱۳۹۴ برگزار و از پیشکسوتان و فعالان این دانشکده به پاس سال‌ها فعالیت، تجلیل خواهد شد. رونمایی از نشان بزرگداشت چهلمین سالگرد تأسیس دانشکده از دیگر برنامه‌های این آیین است. همچنین تجلیل از استادان بازنشسته نیز پیش‌بینی شده است.

گزارش روایت گونه از آغاز تحصیلات دانشگاهی جناب آقای دکتر میاحی و فعالیت های سیاسی دانشجویان و سیر تحولات دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز از زبان ایشان:

اولین حضور در کلاس درس در دانشکده کشاورزی و هم‌زمان با شروع سال تحصیلی در مهرماه ۱۳۵۴ بود. دانشجویان ورودی مهرماه ۵۴ رشته دامپزشکی ۱۰ نفر بودند که خانم‌ها عبارت بودند از شریعتی و عباس زاده از آبادان، سیمین نوایی از اهواز، سرکارزاده از کازرون، آقایان عبارت بودند از بارانی از آبادان، زمانی علویچه از اصفهان، هادی نداف از شوشتر، هدایت منفرد از گچساران و غلامحسین خواجه از شهر برازجان استان بوشهر. آقای بارانی کارمند پالایشگاه آبادان بود و در نیم سال اول از تحصیل انصراف داد. اولین هم‌کلاسی‌هایی که با آن‌ها آشنا شدم آقای دکتر خواجه و آقای دکتر هدایت منفرد از گچساران بودند. در تمام دوران تحصیل هم‌کلاسی و دوستان صمیمی بودیم و بین من و آقای دکتر خواجه ضمن دوستی رقابت علمی وجود داشت.

هم‌زمان با ادامه تحصیل با دانشجویان مسلمان همکاری می‌کردم. آن‌روزها فعالیت دانشجویان مسلمان غیررسمی و غیرعلنی بود. مسجد دانشگاه که در مسیر دانشکده تربیت بدنی و امور دانشجویی دانشگاه واقع بود محل تبادلات کتابهای مذهبی و به خصوص کتابهای دکتر شریعتی بود. بیشتر فعالان دانشجویان مسلمان از دانشجویان دانشکده های کشاورزی و دامپزشکی و علوم بودند و در این رابطه می‌توان از دکتر اکبری، شهید مصدق طاهری، دکتر حمید کهرام و دکتر منصور سیاری نام برد. آقای دکتر سیاری اکنون استاد دانشکده دامپزشکی اهواز و شیراز هستند و پیشتر ریاست دانشگاه شهید چمران اهواز و معاونت اداری مالی دانشگاه شیراز را به عهده داشتند. دکتر حمید کهرام استاد دانشکده دامپزشکی اهواز و دانشگاه تهران بودند و ریاست موسسه واکسن و سرم سازی رازی کرج را به عهده داشتند.

علاوه بر دانشگاه، در محله محل سکونت با طبقات مختلف اجتماعی ارتباط داشتم و وضعیت را برایشان شرح می‌دادم. در آن زمان به علت کم بودن تعداد دانشجویان، جامعه احترام زیادی برایشان قائل بود و صحبت های دانشجویان بسیار تأثیر داشت. همگام با مردم با شروع انقلاب اسلامی این فعالیت ها بیشتر شد و علاوه بر شرکت در تجمعات دانشجویی در محله محل سکونت تعاونی توزیع ارزاق عمومی تشکیل دادم و اقلام غذایی مورد نیاز مردم خریداری و بدون سود به مردم عرضه می‌شد تا مردم کمی آسوده‌تر باشند. در محله، دوستان زیادی همکاری و همگامی هنگام انقلاب اسلامی داشتند که می‌توان از قاسم عموری، قاسم ناصریان، امیر بازدار و محمود سالارزاده نام برد.

قبل از پیروزی انقلاب علاوه بر تحصیل و فعالیت سیاسی در دانشگاه، در اجتماع نیز مانند سایر اقشار مردم فعال بودم. هنگام انقلاب همراه گروهی از مردم کلانتری ۲ اهواز را که در منطقه سی‌متری بود را به دست گرفتیم و برای مدتی امور کلانتری را انجام می‌دادیم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و فضای باز سیاسی ایجاد شده گروه‌های سیاسی مسلمان و غیر مسلمان زیادی با گرایش های متفاوت شروع به فعالیت نمودند. در دانشگاه با دانشجویان انجمن اسلامی فعالیت می‌نمودم. در آن زمان دانشجویان وابسته به تشکل های سیاسی، از تاتر، موسیقی و فعالیت‌های هنری به خوبی در ترویج افکارشان استفاده می‌نمودند و به این روش بر فکر و ذهن دانشجویان تاثیرگذار بودند. حضور گروه های مختلف سیاسی در دانشگاه و فعالیت آنها عملاً تشکیل کلاس ها و امور جاری دانشگاه را بعد از انقلاب با مشکل مواجه نمود. بعد از شروع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه به همراه تعدادی از دانشجویان دانشکده در جهاد سازندگی استان خوزستان شروع به فعالیت نمودیم و کمیته دامپزشکی جهاد سازندگی استان خوزستان را تشکیل دادیم. وظیفه کمیته دامپزشکی خدمت رسانی به اقشار مختلف دامداران و عشایر بود.

اعضای کمیته دامپزشکی استان خوزستان عبارت بودند از آقای دکتر منصور سیاری، دکتر منصور صدریان، خان دکتر فداکار شوشتری و دکتر محمد فکور و شهید ملکی، آقای محمود محقق. بعد از شروع جنگ تحمیلی و تصرف خرمشهر و بمباران آبادان وضعیت تغییر نمود و اعضای جها علاوه بر خدمت رسانی وظیفه پشتیبانی از جنگ را به عهده گرفت. با شروع جنگ تحمیلی تعداد زیادی از گاوهای اصیل شیری هولشتین که در مزرعه دیری فارم شرکت نفت آبادان نگه داری می شدند به همراه تعدادی زیادی از احشام مردم در شهر و جبهه ها سرگردان شدند. به این منظور کمیته ای جهت جمع آوری احشام تشکیل شد و در نزدیکی شهر رامین گاوداری فربهی به منظور درمان گاوهای جمع آوری شده از جبهه اختصاص یافت و مسولیت گاوداری به اینجانب محول شد. بنابر این در گاوداری به همراه آقای دکتر مرتضی علوی شوشتری از استادان دانشکده دامپزشکی اهواز به نگه داری و درمان دام های آسیب دیده مشغول شدیم. جناب دکتر علوی در تمام طول جنگ در اهواز ماندن و محل سکونت ایشان واقع در خیابان زرگران اهواز بود ولی یک روز هم محل را خالی ننمود و هر روز صبح همراه یکدیگر به دامداری فربهی اهواز جهت درمان و راه اندازی امور به آنجا میرفتیم. در جهادسازندگی در ابتدا اکثریت افراد داوطلبانه و بدون دریافت هیچ وجهی در جهاد سازندگی کار می نمودند و بعد از مدت زمانی پرداخت حقوق ماهانه در نظر گرفته شد. جالب است هنگامی فقط آنهایی نامشان در لیست حقوقی ثبت شده بود قابل پیگیری و ردیابی بود و به علت اینکه بنده ۶ ماه آخر را حقوق دریافت کرده بودم بنابراین ۶ ماه فعالیت در جبهه به علت ثبت دریافت حقوق برایم ثبت شد. سال ۶۱ دانشگاه های کشور بازگشایی و فعالیت های آموزش دوباره شروع شد و کلاس های درس از سر گرفته شد. بر اساس مصوبه گروه دامپزشکی وزارت علوم تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۶۲ که کشورمان تنها به ۲ دانشکده دامپزشکی نیاز دارد از ۴ دانشکده دامپزشکی تهران، شیراز، اهواز و ارومیه ۲ دانشکده اهواز و ارومیه منحل و دانشکده دامپزشکی تهران و شیراز باقی ماندند، دانشجویان و اساتید دانشکده های دامپزشکی اهواز و ارومیه به ترتیب به دانشکده های دامپزشکی شیراز و تهران منتقل شدند. دانشجویان ورودی مهرماه ۱۳۵۴ دانشکده دامپزشکی اهواز از جمله خودم از اولین گروه دانشجویان انتقال یافته به دانشکده دامپزشکی شیراز بودند. اولین گروه دانشجویان انتقال یافته به شیراز ۷ نفر بودند که شامل بودند خودم، غلامحسین خواجه، محمد هدایت منفرد، احمد فرج زاده شیخ، منصور سیاری، خانم ها شریعتی و پروین سرکارزاده بودند و این گروه فقط دروس بالینی ۲ سال آخر آن ها باقی مانده بود و با دانشجویان دانشکده دامپزشکی شیراز که عبارت بودند از دکتر شریف، دکتر وحید، خانم دکتر غلامی و دکتر تجلی، دکتر چگینی و دکتر رویا فیروزی ادغام شدیم.

مسئولان وقت دانشکده دامپزشکی شیراز در ابتدا به دلیل تفاوت در روش و سطح آموزش ۲ دانشکده از پذیرش ما امتناع کردند که با پیگیری مسئولان وقت وزارت علوم و دانشگاه شهید چمران اهواز مشکل بر طرف شد و تحصیلات خود را در دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز شروع کردیم. کلاس‌های دروس دانشجویان دانشکده دامپزشکی اهواز و شیراز مشترک بود و برخورد مناسبی توسط دانشجویان و اساتید دانشکده دامپزشکی شیراز به عمل نمی‌آمد. به تدریج قابلیت‌ها و توانایی‌های دانشجویان انتقالی از اهواز برای دانشجویان و اساتید شیراز محرز گردید و به خصوص در دروس بالینی- تشخیصی این تفاوت بارزتر بود. در دوره انتقال آقایان دکتر مستغنی، دکتر رضاخانی، دکتر خان ناظر، دکتر کریمی، دکتر فاضلی، دکتر اجتهادی و دکتر دهقان از دانشکده دامپزشکی شیراز، دکتر سفیدبخت و دکتر ضمیری از اساتید دانشکده کشاورزی شیراز و دکتر حقیقی از دانشکده دامپزشکی اهواز تدریس دروس را به عهده داشتند. در شهریور ماه ۱۳۶۳ از پایان نامه دکترای عمومی دفاع نمودم و دانش-آموخته شدم. بعد از اتمام تحصیل و اخذ دکتری عمومی در سال ۱۳۶۲ با رتبه اول، همراه با آقای دکتر خواجه که هر دو از دانشجویان ممتاز دانشکده بودیم در دانشکده دامپزشکی اهواز استخدام شدم. دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز تمایل زیادی برای جذب هر دویمان داشتند ولی علاقه‌مان به حضور در دانشکده دامپزشکی اهواز جهت فعال نمودن مجدد دانشکده بود لذا به اهواز آمدم و همراه آقای دکتر سیاری که هم‌کلاس‌مان بود و چند ماه قبل از ما فارغ‌التحصیل شده بود و در دانشکده دامپزشکی اهواز استخدام شده بود و مسئولیت اداری - مالی دانشگاه شهید چمران اهواز را پذیرفته بود فعالیت را شروع نمودیم. در اولین مرحله هیات ریسه دانشگاه مصوب نمود که پیگیری لازم جهت شروع مجدد دانشکده به عمل آید. بر این اساس به همراه سایر اساتید دانشکده فعالیت و رایزنی با گروه دامپزشکی وزارت علوم جهت فعالیت مجدد دانشکده شروع شد. در زمان انحلال دانشکده تعدادی از اساتید به دانشکده دامپزشکی تهران وعده‌ای به شیراز انتقال یافته بودند و تعدادی مأمور به خدمت در سایر دانشگاه‌ها شده بودند. در آن زمان فضای دانشکده محدود و در یک قسمت از دانشکده کشاورزی و در محل سابق دانشکده علوم تربیتی قرار داشت و مرحوم دکتر رشیدی رئیس و اینجانب معاون ایشان بودم. در اولین اقدام جمع-آوری امکانات پراکنده شده دانشکده شروع شد و به علت اینکه در زمان جنگ و به علت شرایط اضطراری ایجاد شده نیروی نظامی به سرعت در دانشگاه و از جمله دانشکده دامپزشکی مستقر شده بودند اموال دانشکده از جمله تعدادی از لوازم میکروسکوپ‌ها و غیره در اطراف دانشکده پراکنده شده بودند. در اولین مرحله لوازم انتقال یافته به سایر دانشکده و وسایل پراکنده در اطراف دانشکده جمع‌آوری گردید و به تدریج احکام اعضای هیات علمی دانشکده که مامور در سایر دانشکده‌ها لغو

شدند. بعد از مدتی پیگیری و رایزنی مداوم با وزارت علوم و حمایت مسولین وقت دانشگاه به خصوص آقای دکتر سیاری معاونت اداری و مالی وقت دانشگاه، گروه دامپزشکی وزارتخانه موافقت خود را با فعالیت مجدد دانشکده اعلام نمود. در مدت زمانی که مجوز فعالیت رسمی مجدد توسط وزارت خانه صادر نشده بود با جهاد سازندگی موافقت نامه آموزش کارکنان کمیته دامپزشکی منعقد گردید و در چند نوبت دوره‌های آموزش ضمن خدمت در مقاطع کاردانی و لیسانس جهت کارکنان کمیته دامپزشکی جهاد سازندگی برگزار گردید. بنابراین در این مدت کلیه اعضای هیات علمی در تدریس کارکنان گروه دامپزشکی جهاد سازندگی مشارکت و همراهی داشتند. به تدریج دانشکده شروع به جذب نیرو و بورسیه نمودن افراد در رشته مورد نیاز نمود. قبل از انقلاب کد احداث بیمارستان دام دانشکده دامپزشکی اهواز در سازمان برنامه و بودجه کشور به ثبت رسیده و دارای کد و محل احداث آن در پردیس دانشگاه در مجاورت دانشکده کشاورزی بود. در آن زمان ریاست وقت دانشکده کشاورزی و تعدادی از اعضای هیات علمی آن دانشکده به این بهانه که احداث بیمارستان در مجاورت مزارع کشاورزی به مزارع آموزشی-تحقیقاتی آنها آسیب وارد می‌کند مخالف احداث بیمارستان دام در قطعه زمین اختصاص یافته در مجاورت دانشکده کشاورزی بود، بودند و با نوشتن نامه‌های مختلف مراتب مخالفت خود را اعلام می نمودند. به همین دلایل به پیشنهاد ریاست وقت دانشکده مرحوم دکتر رشیدی و موافقت ریاست وقت دانشگاه مرحوم دکتر صادق نجفی نماینده دانشگاه جهت تهیه زمین مناسب و جایابی احداث بیمارستان شدم. زمین‌های متعددی در مناطق مختلف اطراف اهواز پیشنهاد شد و در آن زمان هر کدام به دلایلی مورد قبول نشد. بنا به پیشنهاد ریاست وقت دانشکده کشاورزی رامین زنده یاد دکتر بهزاد از امکانات و زمین‌های دانشکده بازدید به عمل آوردم و قطعه زمینی را جهت احداث بیمارستان دانشکده دامپزشکی در نظر گرفته شد. بعد از بازگشت حضوری گزارش بازدید و مناسب بودن زمین واقع در ملاثانی را خدمت رییس وقت دانشگاه زنده یاد دکتر نجفی ارائه نمودم ولی مرحوم دکتر نجفی با آینده نگری به دلایل مشکلات اساتید دانشکده کشاورزی در آمد و شد و پیشرفت نکردن مناسب مجموعه به دلیل دوری از دانشگاه و محل سکونت که این عوامل در آینده می تواند در روند کاری و پیشرفت بیمارستان دام مشکل آفرین شود پیشنهاد نمودند با همکاری دفتر فنی دانشگاه نسبت به تعویض زمین بیمارستان که در مجاورت دانشکده کشاورزی اهواز و مورد اعتراض تعدادی از اعضای هیات علمی این دانشکده است، پیگیری نمایم. براین اساس با همکاری زنده یاد دکتر رشیدی، اعضای هیات علمی دانشکده و همکاری دکتر سیاری از اعضای هیات علمی دانشکده و معاون وقت اداری مالی دانشگاه و همکاری دفتر فنی دانشگاه این جابه جایی انجام شد و زمین محل فعلی بیمارستان جهت احداث اختتام

بیمارستان انتخاب گردید. در مرحله بعد دفتر طرح و برنامه دانشگاه مجوز ساخت بیمارستان و برگزاری مناقصه انتخاب پیمانکار جهت طراحی بیمارستان دام از سازمان طرح و برنامه کشور دریافت نمود و شرکت موژدا برنده طراحی و مشاورت ساخت بیمارستان شد. طراح اصلی بیمارستان نیز زنده یاد دکتر متین دفتری از طراحان معروف کشور بود که به علت نبود بیمارستان دام در کشور، از چند بیمارستان در کشورهای مختلف بازدید به عمل آورد و با چندین نشست با اعضای هیات علمی وقت دانشکده توانست بیمارستان فعلی را در دو فاز و در ۱۷۰۰۰ مترمربع طراحی نماید. اطلاعات نیازهای ساختمانی بخش بهداشت و بیماریهای طیور توسط اینجانب تهیه و در اختیار طرح و مشاور قرار گرفت.

با عنایت به داشتن بورس اعزام به خارج وزارت علوم و داشتن پذیرش از دانشگاه‌های انگلستان و استرالیا به خاطر شرایط جنگ در سال ۱۳۶۹ جهت ادامه تحصیل در رشته بهداشت و بیماری‌های طیور به کشور هند عزیمت نمودم. محل تحصیل مرکز تحقیقات دامپزشکی هند واقع در شهر برلی در استان اوتارپرادش بود. در این مرکز هم‌زمان دو ایرانی جهت ادامه تحصیل عزیمت نمودیم و موقع اخذ ویزا از سفارت هندوستان در تهران با هم آشنا شدیم. نفر دوم آقای دکتر بختیاری دانش آموخته کشور هند بود و سالها در هند اقامت داشتند و بعد از بازگشت به ایران بورسیه دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در رشته جراحی دام شده بود. در آن زمان در دانشکده دامپزشکی اهواز ۲ همکار به نام‌های دکتر شرما و دکتر کوهلی از هند مشغول به کار بودند. همراه آقای دکتر شرما در تابستان سال ۶۹ به کشور هند جهت شروع به تحصیل به شهر دهلی عزیمت نمودم. بعد از ورود به دهلی و معرفی خودم به سفارت ایران در دهلی، ظهر روز بعد همراه آقای دکتر شرما جهت رفتن به شهر محل تحصیل به نام برلی که در ۲۴۰ کیلومتری دهلی واقع بود به ترمینال مسافربری رفتیم. ترمینال از جمعیت پر بود و بعد از خرید بلیط منتظر اتوبوس شدیم. در این موقع فکر می‌کردم اتوبوس کولر دارد و صندلی‌ها شماره دارند و حداکثر در ۲ تا ۳ ساعت به مقصد خواهیم رسید ولی با رسیدن اولین اتوبوس و هجوم مردم جهت سوار شدن از در و پنجره تمام تصوراتم تغییر کرد. آقای دکتر شرما توضیحات لازم را جهت سوار شدن به اتوبوس بعدی ارایه نمود و بعد از ورود اتوبوس بعدی به ترمینال به سرعت سوار اتوبوس شدیم و تعدادی در راهرو ایستادند. اتوبوس به راه افتاد و راننده از لحظه حرکت به طور مداوم بوق می‌زد و عجیب‌تر این بود که عقب همه ماشین‌ها به انگلیسی عبارت لطفاً بوق بزنید نوشته بود. بعد از حدود ۵ ساعت غروب همان روز با سردرد شدید ناشی از گرما و بوق زدن‌های مداوم به شهر برلی رسیدیم و در هتل اقامت نمودیم. صبح روز بعد به مؤسسه تحقیقات دامپزشکی هند که از بهترین مؤسسات آموزشی تحقیقاتی در زمینه دامپزشکی هند به شمار می‌رود، رفتیم و ابتدا با

رییس مؤسسه ملاقات و مقدمات ثبت نام انجام شد. در ملاقات در خصوص محل سکونت در دوران تحصیل بحث به میان آمد و ریاست مؤسسه موافقت نمودند که جهت سکونت من و دکتر بختیاری ۲ خانه کارمندی در داخل مؤسسه واگذار نماید. سپس به بخش بیماری‌های طیور رفتیم و با رییس بخش ملاقات و مقدمات شروع تحصیل فراهم شد. روز بعد یک خانه دارای ۲ اتاق در محوطه دانشگاه در کنار منازل کارمندان مؤسسه در اختیارم گذاشته شد.

در مرکز تحقیقات دامپزشکی هند که از بهترین مؤسسات آموزش دامپزشکی هند بود، مشغول به تحصیل شدم. در آن آنجا با آقای دکتر بختیاری مشغول به تحصیل بودیم. آقای دکتر بختیاری دکتری دامپزشکی عمومی خود را از هند اخذ نموده بود و به زبان و فرهنگ آن کشور کاملاً آشنا بود. چند ماه اول حضورم در هندوستان تنها بودم و روزهای اول به سختی گذشتند و بعد از حدود یک سال همسر و دو فرزندم به من پیوستند. روزهای ابتدایی سکونت در هند به سختی گذشت. با توجه به تنهایی، مشکلات زبان و وضعیت اقتصادی و فرهنگی آن زمان هند شرایط سختی برایم ایجاد شد که با صبر و حوصله و مقاومت به تدریج شرایط ماندن بهتر شد و مؤسسه جهت تقویت زبان انگلیسی یک معلم زبان انگلیسی برایم در نظر گرفت. با تلاش بسیار درس می‌خواندم و به طور معمول جهت مطالعه چندین ساعت پشت یک صندلی رو به روی پنجره‌ی اتاق که مسلط به محوطه بود می‌نشستم و به دلیل پایین بودن ارتفاع پنجره، داخل خانه و اطاق‌ها مشخص بود. یک روز یکی از همسایگان که با ایشان آشنا شده بودم درب خانه را به صدا درآورد و بعد از خوش و بش از من سوال نمود که آیا در صحت و سلامت هستم. علت سؤال را پرسیدم و گفتند مدت زیادی است که در رفت و برگشت از محل کار شما را پشت میز کار مشاهده می‌کنم و به این علت نگران حال شما شدم. حدوداً دو سال و نیم در هند بودم و کارشناسی ارشد در رشته بهداشت و بیماری‌های پرندگان را اخذ نمودم و با توجه به نبودن مقطع دکترای تخصصی بهداشت و بیماری‌های پرندگان در کشور هندوستان تصمیم به ادامه تحصیل در کشور انگلستان گرفتم و پذیرش برای دکتری تخصصی بهداشت و بیماری‌های پرندگان در مؤسسه هگتون انگلستان در زمینه بیماری مارک پرندگان تحت راهنمایی دکتر پین را گرفتم و جهت فراهم کردن مقدمات عزیمت به انگلستان به ایران برگشتم که با تغییر وزیر وزارت علوم و تغییر سیاست‌ها، اولویت‌ها تغییر یافت شد و اعلام نمودند هر فرد برای ادامه تحصیل در خارج کشور تنها یک مرتبه می‌تواند اعزام شود، بنابراین اعزام به انگلستان منتفی شد و مجبور به ادامه تحصیل در داخل کشور شدم. خوشبختانه در این مدت با تلاش‌ها و کوشش‌ها آقای دکتر محمد علی راد دبیر محترم گروه دامپزشکی و مساعدت اعضای هیات علمی تمام دانشکده‌های دامپزشکی دوره‌های تخصصی مختلف و از جمله دوره دکترای تخصصی

بهداشت و بیماری‌های طیور تاسیس گردید و توانستم بورس خارج را به داخل تبدیل و در دوره دکترای تخصصی بهداشت و بیماری‌های طیور در انشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در بهمن سال ۱۳۷۳ مشغول تحصیل شدم و در مهرماه ۱۳۷۷ دکترای تخصصی را از دانشکده دامپزشکی تهران اخذ نمودم. در طول تحصیل در تهران ریاست دانشکده را عهده دار بودم و دو روز در هفته جهت تحصیل در تهران بودم.

دوره فعالیت‌های علمی من از مهرماه سال ۷۷ بعد از گرفتن تخصص و تغییر مرتبه به استادیاری شروع شد. قبل از آن به علت مربی بودن و داشتن پست‌های اجرایی و مدیریتی در دانشگاه خیلی مجال فعالیت علمی به من نمی‌داد. در دوره کارشناسی ارشد در هند پایان نامه‌ام درباره تأثیر ویروس گامبورو بر ایمنی سلولی و هومورال ضد سالمونلا ورشو بود و در ادامه پایان نامه مقطع دکتر را در زمینه تأثیر ویروس گامبورو بر بیماری نیوکاسل انتخاب نمودم. در این سال‌ها مقالات متعددی در مجلات علمی داخلی و خارجی به چاپ رسانده‌ام. به نظرم یکی از موثرترین کارهای علمی هر فرد علاوه بر نوشتن مقاله، نوشتن کتاب تالیف و ترجمه نمودم که در فصل جداگانه شرح داده می‌شود.

دانشکده دامپزشکی اهواز سومین دانشکده دامپزشکی تاسیس شده در کشور است و از دانشکده‌های قدیمی این رشته به شمار می‌آید. بعد از آن ۹ دانشکده‌ی دولتی و ۱۰ دانشگاه آزاد در سطح کشور تأسیس شد. ساختار دانشکده به شکلی طراحی شده که در مجموعه شهر دانشگاهی قرار دارد و دارای یک بیمارستان بی‌نظیر با ۱۷/۰۰۰ متر مکعب زیربنا می‌باشد. در تأسیس بیمارستان مرحوم دکتر رشیدی و آقایان دکتر سیاری، دکتر خواجه و من بسیار مؤثر بودند.

بودجه ساخت بیمارستان دام قبل از انقلاب به تصویب رسیده بود ولی ساخت آن بعد از انقلاب بود و در دوران جنگ در ۲ فاز طراحی شد که فاز اول آن در دوران جنگ ساخته شد و توسط مرحوم هاشمی رفسنجانی افتتاح شد و فاز دوم پس از جنگ ساخته و به بهره برداری رسید.

زمین محل ساخت این بیمارستان در شهر دانشگاهی و در مجاورت دانشکده کشاورزی به علت نزدیکی به محل سابق دانشکده دامپزشکی پیش‌بینی شده بود و این موضوع با اعتراض و نامه‌نگاری‌های متعدد رییس سابق دانشکده کشاورزی آقای دکتر عزیزاده و استدلال می‌نمود که تاسیس یک بیمارستان دام باعث از بین رفتن مزارع دانشکده خواهد شد بر این اساس رییس وقت دانشگاه مرحوم دکتر نجفی که رشته تخصصی ایشان هم زراعت بود به اینجانب مسوولیت مکان‌یابی بیمارستان را در خارج از

شهر دانشگاهی به اینجانب محول نمود. در ابتدا دو قطعه زمین در ابتدای جاده حمیدی و منطقه گاو میش آباد روبروی دانشگاه جایابی شدند که هر دم به دلایلی به نتیجه نرسید. سپس به دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران واقع در ملاثانی رفتیم. آن- زمان مرحوم دکتر بهزاد رئیس دانشکده بود و از ساخت بیمارستان دام در دانشکده کشاورزی به خوبی استقبال نمود و اعلام کرد هر قطعه زمینی که انتخاب شود با کمال آن را جهت تاسیس بیمارستان دام در اختیار دانشکده قرار می دهد. موضوع را به مسؤولین وقت دانشکده منتقل نمودم و آنها نیز استقبال نمودند. بر این اساس برای مشورت و تصمیم گیری نهایی به مرحوم دکتر نجفی که از جانبازان جنگ تحمیلی و رئیس وقت دانشگاه شهید چمران بود، مراجعه کردیم. نظر ایشان این گونه بود که اگر می خواهید بیمارستان را در ملاثانی بسازید و دانشکده در شهردانشگاهی اهواز مستقر باشد و اساتید علوم درمانگاهی و دانشجویان روزانه بین این دو مکان در تردد باشند، آینده خوبی برای دانشکده و بیمارستان پیش بینی نمی کنند و در حال حاضر دانشکده کشاورزی با این مشکلات مواجه است و توصیه نمودند بیمارستان در شهر دانشگاهی ساخته شود. استدلال و نظر ایشان را پذیرفتیم. بر این اساس قطعه زمین اختصاص یافته قبل از انقلاب جهت ساخت بیمارستان دام که در مجاورت دانشکده کشاورزی اهواز و ساختمان دانشکده بود جهت ساخت در نظر گرفتیم که مجددا با اعتراض مواجه شدیم و پس از مذاکره با مسولین وقت دانشگاه قطعه زمین فعلی انتخاب شد و مراتب به سازمان و برنامه ریزی کشور ابلاغ شد. بر این اساس پروژه بیمارستان در سال ۱۳۶۵ فعال شد و طراح و مشاور بیمارستان انتخاب گردید و پس از جلسات متعدد با اعضای هیات علمی، بیمارستان در ۳ فاز طراحی شد. ساخت فاز اول بیمارستان در زمان جنگ شروع شد و مسولین وقت دانشکده و دانشگاه پیگیری و تلاش زیادی برای ساخت و تکمیل آن صرف کردند. زمینی که برای ساخت پروژه در نظر گرفته شده بود در نزدیکی رودخانه و باتلاقی بود. با تلاش بسیار آن زمین مهیای ساخت شد و با طراحی بسیار مرحوم دکتر دفتری خوب و نظارت شرکت موزدا ساخته شد. ساخت این بیمارستان در شهر دانشگاهی که در مرکز شهر اهواز قرار داشت و دسترسی به آن از تمام مناطق استان از مزیت های بیمارستان به حساب می آید. بعد از تکمیل فاز اول بیمارستان دانشکده نیز به ساختمان مجاور بیمارستان که محل قبلی دانشکده مهندسی بود انتقال یافت. به تدریج فازهای دیگر بیمارستان تکمیل و به بهره برداری رسید. در حال حاضر بیمارستان دام با ۱۷۰۰۰ مترمربع بزرگترین بیمارستان کشور محسوب می شود. در حال حاضر دانشکده دامپزشکی شیراز فاقد بیمارستان است و تنها یک درمانگاه دامپزشکی دارد. دانشکده دامپزشکی تهران بیمارستان دارد ولی مراجعه کننده کافی ندارد؛ زیرا خارج از شهر است و بین دانشکده تا بیمارستان مسافت زیادی است. دانشگاه ارومیه هم درمانگاه دارد.

این باعث شده دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز از نظر آموزش بالینی جزء بهترین ها باشد. البته به دلیل فقدان یک سیستم رسمی ارزشیابی نمی توان گفت که دانشکده دامپزشکی اهواز چه جایگاهی در بین سایر دانشکده ها دارد ولی بدون شک از بهترین دانشکده ها در کشور هستیم.

در شرایط جنگی در مهرماه ۱۳۶۲ در شهر اهواز ازدواج نمودم. پدرم در سال ۱۳۶۹ هنگامی که جهت ادامه تحصیل در هندوستان بودم به رحمت خدا پیوست. مادرم هم در سال ۱۳۹۰ مرحوم شد.